

گزیده موضوعی وصیت‌نامه شهدا (۲۸)

دفتر رهبری و ولایت فقیه

«جلد چهاردهم»

به کوشش: ایوب سیف زاده



کلیه حقوق این اثر متعلق به نشر شاه‌سپاس است.

۷	سخن ناشر	۱.
۹	پیشگفتار	۲.
۱۵	درآمد	۳.
۱۹	فصل اول: ولایت فقیه از منظر شهیدان	۴.
۱۳۹	فصل دوم: لزوم پیروی از ولایت فقیه	۵.
۳۲۷	فصل سوم: نتایج سرپیچی از ولایت فقیه	۶.

■ پیشگفتار ■

سرّ خاتمیت اسلام، بقای این آیین در میان بشر است؛ آیینی که در بر دارنده هدایت الهی و تعالیم الهی برای هدایت نوع بشر و حامل انذار و بشارت بوده و جنبش آفرین، تکان‌دهنده و پاره‌کننده پرده‌های غفلت و بیداری‌گر خواب‌زدگان وادی غفلت است و سر آخر دارنده متولیان‌الاولاست، چرا که دیدار آن‌ها، برخورد با آن‌ها، مشاهده رفتار آن‌ها، شهود ایمان آن‌ها، سازندگی برای دل‌های بیدار و جستجوگر است. کشش و جاذبه‌ی این انسان‌های هادی قادر است انسان‌هایی را که هنوز نیروی خودجنبی و خودحرکتی در آن‌ها به حد کفایت رسیده است، به سر منزل سعادت و هدایت راهنما باشد.

در بینش امام خمینی (رحمه الله علیه) حکومت اسلامی، شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است و ولایت فقیه یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر احکام فرعی و حتی نماز و روزه و حج؛ چراکه ضامن اجرای احکام اسلامی

در همه ادوار و اعصار است. در حقیقت احکام اسلام محدود به زمان و مکان نیست و تا ابد باقی و لازم الاجراست. در حکمت خدای حکیم روا نیست که آفریدگان خویش را بی رهبر و بی سرپرست رها سازد؛ چرا که خداوند بر این علم عالم است که انسان، موجودیتش جز به وجود امام قوام و استحکام نمی‌یابد و در این میان نقش ولایت مطلقه همچون نقش امام برپا نگه دارنده نظم و قانون و خدمتگزار، امین و نگاهبان و امانتداری است که با وجود او دین به کهنگی و فرسودگی دچار نگشته و آیین از میان نخواهد رفت و سنن و احکام دگرگونه و وارونه نخواهد گشت و بدعت‌گذاران چیزی را در دین نخواهند افزود.

این جاست که بن‌اسرار و متقن امام خمینی در تبیین نقش ولایت فقیه اتمام حجتی است بر سران‌ها و پرسش‌های غیرمنطقی: «... حرف‌های آن‌هایی که برخلاف مسیر اسلام مسند و خودشان را روشنفکر حساب می‌کنند و می‌خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند، گشای دهید. اگر ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است؛ یا خدا یا طاغوت ... من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد ... هیچ‌گاه برخلاف مسیر امامت و برخلاف مسیر اسلام راهی را در پیش نگیرید. گمان نکنید طرحی را که اسلام را استوجب نابودی اسلام می‌شود؛ چرا که این منطق، منطق آدم ناآگاه است؛ تنویذ که ما ولایت فقیه را قبول نداریم؛ چرا که معنای این سخن تکذیب ائمه (علیهم‌السلام) است ...»^۱ در بینش و تفکر اسلامی، هر جا سخن از ولایت فقیه در میان است؛ صحبت از مقام نیست، بلکه صحبت از وظیفه است. ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و

اجرای قوانین شرع مقدس؛ وظیفه‌ای سنگین و مهم، نه اینکه تنها برای کسی شأن و مقام غیرعادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر برد. به عبارت دیگر ولایت مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره برخلاف تصویری که بسیاری از افراد دارند، امتیاز نیست بلکه وظیفه‌ای خطیر به حساب می‌آید.

بی‌شک یکی از آموزه‌های دینی، اعتقاد به اصل توحید می‌باشد. ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه متعالی‌تر است و قادر بر همه چیز است. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها باید در برابر ذات اقدس حق تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کرد. بر آنکه اطاعت او اطاعت خدا باشد. همچنان که قوانین هستی و خلقت را خداوند مقرر فرموده است؛ سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که بر ماست. انبیاء بر بشر ابلاغ شده است. در اسلام حکومت، حکومت قانون است. حتی حکومت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و حکومت امیرالمومنین (علیه السلام) حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آن‌ها را تعیین کرده است. پس با این توصیف حکمرانان از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می‌کند. آن چنان که مبرهن است ارزش ذات در عالم هستی بر دو قسم تقسیم می‌شود. اما در این بین ارزش‌های معنوی از جایگاه خاصی برخوردار است. ارزش‌های معنوی، ارزش‌هایی همیشگی‌اند که قبل از صحنی شدن کشورها، ضمن و بعد از آن نیز وجود داشته و دارد. قسم دیگر اموری است مادی که به مقتضای زمان تغییر می‌کند. یعنی در گذشته به گونه‌ای بوده و بعد رو به ترقی رفته تا به مرحله کنونی رسیده و بعد از این هم بالاتر خواهد رفت. اما آنچه میزان حکومت و مربوط به اجتماع و سیاست است، ارزش‌های معنوی است. در صدر اسلام نیز در دو زمان، دو بار حکومت اصیل اسلام محقق گشت؛ یکی در زمان رسول الله (صلی الله

علیه و آله و سلم) و دیگری در کوفه در زمان حکومت علی بن ابی طالب (علیه السلام) یعنی حکومت بر پایه عدل به گونه‌ای که حاکم آن ذره‌ای از قانون تخلف نورزد. بشر بدون شک در جستجوی یافتن راه راست و راه مطلوب زندگی باید از راه شناخت روشنی که از راه تجزیه و تحلیل تجربه و اندیشه به دست می‌آید، حاصل شود و در این بین بهره‌گیری از آموخته‌ها و آموزه‌های دینی و اسلامی تنها دستاورد رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است. پس در حقیقت نفس حاکم شدن فرمانروای وسیله‌ای بیش نیست و برای مردان خدا اگر این وسیله به کار خیر و تحقق هدفی عالی نیاید، هیچ ارزشی ندارد. لذا علی (علیه السلام) در خطبه نهج البلاغه می‌فرماید: «اگر حجت بر من تمام نشده و ملزم به این کار نشده بودم آن را (یعنی فرماندهی حکومت را) رها می‌کردم.»

امیرالمومنین (علیه السلام) در جای دیگری می‌فرماید: «من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی این علمای اسلام تعهد گرفته و آن‌ها را ملزم کرده که در مقابل پر خوری و غلبه‌گری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستم‌دیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند.»

و اکنون در بحبوحه همه فتنه‌ها و آشوب‌ها باید انصافی به پا خیزد و همان ولایتی را که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) در امر اداره جامعه داشتند، به پا دارد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. بی شک، سکان دار هدایت بعد از امام خمینی (رحمه الله علیه) رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) است؛ او که با مدد و استعانت از خداوند و تمسک به ائمه (علیهم السلام) و سیره و سلوک امامان و پیشوایان و ادامه راه امام خمینی (رحمه الله علیه) و شهیدان راه اسلام و انقلاب در پی برقراری و بسط عدالت و اجرای احکام و حدود الهی است به گونه‌ای که در طی این مسیر چند

ساله با اتکال به الطاف الهی و توکل و پشتوانه اسلامی لحظه‌ای از مواضع دینی و اسلامی عقب ننشست و در این مسیر از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌داند و مصلحت نظام و مردم مسلمان امور مهمی است که بی هیچ شبهه و شائبه‌ای نیازمند رسیدگی و توجه روزافزون است تا در سایه این حمایت و است گرمی‌ها، انقلابی که با تلاش چندین ساله خویش اکنون در عرصه رشد و شکوفایی است به هیچ مانع و دست اندازی تا سر منزل مقصود راهی هموار را بییماید. از زمان غیبت صغری تاکنون که هزار و چند سال می‌گذرد و تا زمانی که مصلحت اقتضا نماید تا حضور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محقق گردد، نبایست احکام اسرم بر زمین بماند و هر حکومت و نظامی هر آنچه را که خواست بر دیگران تحمیل نماید؛ باین حضور و وجود ولایت فقیه، امری شرعی و دلالت بر ثبوت و دوام نبوت و امامت در عالم انسانی است.

اکنون در قرنی بیداری اسلامی، وجود ولایت فقیه نمود قدرت اسلام است. چنان که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) فرمودند: «من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت است. باک مذلت می‌نشانند. من با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل تمام دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست.»

ایوب سیف زاده